

شرح خواسته‌های انسان از تولد تا مرگ

نفس ارتباط

تمام حقیقت آدمی ارتباط است. ارتباطی که ابتدا با خود و سپس با غیرخود برقرار می‌نماید. غیرخود اعم از طبیعت، انسان‌های دیگر، طوایف جن (ارتباطی که معمولاً بدون آگاهی صورت می‌پذیرد)، ملائک و خدا.

ملائک ارتباط

انسان در این ارتباط یک ملاک بیشتر ندارد، ملاکی که به دو وجه خود را نشان می‌دهد، دو وجه متناقض؛ لذت و آلم. انسان از نخستین لحظه‌های ورود به دنیا در جستجوی لذت است و در تلاش برای رهایی از آلم و درد.

مجاری لذت و آلم

انسان به سه نحو لذت و آلم را درون خود حس می‌نماید. این سه کیفیت درک ممکن است ناشی از سه ابزار مجزا برای درک لذت و آلم باشد و یا یک ابزار مانند نفس که به سه شیوه و سه حالت این درک را صورت می‌دهد. به هر طریق، این سه مجاری را به سه نام می‌شناسیم: روح، ذهن، جسم.

لذت‌های جسمی

انسان از خوردن لذت می‌برد. از خواب لذت می‌برد. از بیمار نبودن و داشتن سلامتی لذت می‌برد. آسیب‌دیدگی بدن، ضرب‌دیدگی، برخورد با اشیاء تیز و برنده، همه این‌ها سبب درد و آلم می‌شوند و انسان را می‌رنجانند. جسم انسان در هر لحظه از این سه عنصر لذت می‌برد.

ممکن است به نظر آید که مجامعت نیز از لذت‌های جسمی است. اگر چه می‌تواند در این مقوله قرار گیرد، ولی بیشتر به نظر می‌رسد از لذت‌های روحی باشد که جسم نقش فرعی را در آن بازی می‌کند. در این صورت در مقوله «استخدام» قرار می‌گیرد.

لذت‌های ذهنی

فعالیت‌های محاسباتی نیز برای انسان لذت می‌آورند. قصه لذت ارشمیدس از حل مسئله «شناوری» را همه به خاطر دارند. وقتی مطلب جدیدی یاد می‌گیرد لذت می‌برد. هنگام نوآوری، کاری که دیگران نکرده‌اند، نیز احساس لذت می‌کند.

لذت‌های روحی

نخستین لذت برای روح انسان احساس بی‌نیازی است. کودک اصرار دارد لباسش را خودش بپوشد. این‌که حداکثر امور فرد به ید وی به انجام رسد. سپس به جستجوی دیگران است. انسان‌ها، اشیاء، جن، ملک، هر چیزی که بتواند به اختیار خود درآورده و از آن بهره‌کشی کند. استخدام برای انسان لذت دارد، این‌که گستره افراد تحت فرمان خود را افزایش دهد. اطمینان نیز خود به تنهایی یک لذت است. طمأنینه حالتی در روح انسان است که در نبود نگرانی و اضطراب حاصل می‌شود.

سطوح لذت جویی

تمام آنچه گفته شد در سطح اولیه و گام اول لذت طلبی قرار می گیرد. تمام این لذا یذ توجه به لحظه دارند، به وهله. حالتی در روح، ذهن یا جسم بشر که در همان لحظه که آن حالت برقرار می شود لذت حاصل می گردد.

انسان اما با افزایش تجارب، با رشد، متوجه می شود که آینده به سوی او در حرکت است. لذا لذت هایش به سوی آینده کشیده می شوند. در این حالت «انتظار لذت» هم به نوعی لذت بدل می گردد و «انتظار آلم» خود نوعی آلم محسوب می شود. نشنیده اید که: «ترس از مرگ بدتر از خود مرگ است». این جمله به نحوی بیانگر همین خصیصه در آدمی ست.

آینده نگری کوتاه مدت

این جاست که انسان به دنبال «کسب» انتظار لذت هاست. در جستجوی ایجاد شرایطی ست که آنچه در آینده برای او می آید «لذت» باشد نه «آلم».

اگر در این آینده نگری، کوتاه اندیش باشد و به حیات دنیوی قناعت نماید، فقط به دنبال کسب است، کسب انتظاری که کوتاه است و دوام ندارد، انتظاری از لذت در مدت کوتاه حیات دنیوی.

آینده نگری بلند مدت

اما آن که بداند آخرتی در بین است و او موجودی جاودان خلق شده است، قطعاً به دنبال «ذخیره» است. لذت ها را ذخیره می کند برای حیات اخروی که لذت های آن همراه با تباهی و رنج و آلم نیستند و خالص می باشند.

آینده نگری کوتاه مدت

در این نگرش، لذت های متوقع متوجه جامعه می شوند. زیرا انسان در جامعه زندگی می کند و «امنیت» قید تمامی لذت ها می شود. بنابراین همان لذت های سطح اول خود را به شکلی دیگر نشان می دهند.

امنیت شغلی

اگر انسان بداند کاری را که قبول کرده همیشگی ست و قراردادی قطعی دارد، احساس امنیت می کند از این که می تواند بی نیازی نسبی خود را کسب نماید. یک نوع بی نیازی که حس می کند تا فلان مدت هیچ نگرانی از بابت احتیاجات روزمره خود نخواهد داشت. پس نوعی انتظار لذت بی نیازی را با خود به همراه دارد.

اعتبار اجتماعی

مسأله اعتبار اجتماعی تنها پول نیست. تمامی عناصر قدرت، ثروت و دانایی، حتی ریش سفیدی، می توانند مظهری از اعتبار باشند. اعتبار اجتماعی این فرصت را می دهد که هر زمان نیاز بود، بتوان نیروهای اجتماعی را به خدمت گرفت. اگر لوله آب خانه ترکید، مطمئن هستی لوله کش به اعتبار شما احترام گذاشته و به استخدام شما در خواهد آمد. این استخدام تا ازدواج هم کشیده می شود. در این نگرش ازدواج نیز به نوعی استخدام عاطفی یک انسان است.

امنیت روانی

انسان اگر چه همین لحظه اطمینان و آرامش داشته باشد، اما اگر احساس کند و متوقع باشد که فردا آرامش او سلب خواهد شد، همین الان آرامش خود را از دست خواهد داد. امنیت روانی به معنی انتظار لذت آرامش و اطمینان در آینده زندگی دنیوی ست.

غلبه بر مشکلات

این‌که بداند می‌تواند مسائل و مشکلات پیش رو را حل کند و از چالش‌ها با تدبیر و درایت و اندیشه و فکر خود را بیرون بکشد. حسّ توانمندی غلبه بر مشکلات یکی از خواسته‌های بشری‌ست، ولو در حال حاضر درگیر هیچ مشکلی نباشد. اعتماد به نفس و موفقیت در همین بخش قرار می‌گیرند.

پذیرش اجتماعی

قدرت برقراری ارتباط اجتماعی تجلی همان «یادگیری» در سطح بالاتر است. روابط اجتماعی مبتنی بر یادگیری یکدیگر است. انسان‌ها رفتارهای متقابل هم را بر اساس این تجارب حدس می‌زنند و مبتنی بر همین حدس عمل می‌نمایند.

انسان اگر تصور کند اگر به کسی بگوید «سلام» ممکن است وی ناراحت شده و در گوش او سیلی بزند، در هر حرف‌زدنی دچار تردید می‌شود و از اساس قدرت ارتباط را از دست می‌دهد. ما انسان بر اساس اعتمادی که به هم داریم مرتبط می‌شویم و این ارتباط بر اساس یادگرفتن عکس‌العمل‌های متناسب با هر عمل است.

انسان محتاج پذیرش اجتماعی‌ست تا لذّت یادگیری وی از بین نرود و تأمین گردد. هر ارتباط جدید یک یادگیری جدید را به همراه دارد و یک لذّت علی‌حده.

کپی‌رایت

نوآوری هر چند در لحظه روی دادن لذّت‌بخش است، ولی با ترس استخدام دیگران به آلم بدل می‌گردد. در نگرش آینده‌بینی کوتاه‌مدت فرد دچار ترس از سرقت نوآوری‌ست.

کپی‌رایت یا همان احترام به خلاقیت دیگران یکی از نیازهای بشر است. خواسته انسان در سطح دوم این است که انتظار لذّت از نوآوری داشته باشد، با حسّ امنیت محصول نوآوری.

امنیت غذایی

اگر چه امروز غذا روی میز داشته باشد، انسان اگر بداند برای فردا چیزی ندارد بخورد، درد گرسنگی فردا را امروز حسّ می‌کند. برای گریز از این آلم است که محتاج امنیت غذایی‌ست.

شاید پرسش شود چرا کنار خوراک و غذا نامی از پوشاک برده نشده است. به نظر می‌رسد پوشاک جزئی از نیازهای جسمی بشر نیست. زیرا پوشاک فراتر از این‌که پوشاننده بدن باشد مظهر طبقه‌بندی‌های اجتماعی‌ست و گروه‌ها و فرهنگ‌ها را می‌نماید و گاهی اسباب خودنمایی. لذا پوشاک زیرمجموعه «اعتبار اجتماعی» و «پذیرش اجتماعی» قرار می‌گیرد.

امنیت انتظامی

خواب وقتی نگاه انتظاری به آن شود، معادل امنیت انتظامی‌ست. انسان انتظار دارد در هنگامی که هشیار نیست و مطلع، دیگران به دارایی‌های او آسیب نزنند. یکی از مصادیق این عدم هشیار خواب است و مصادیق دیگر آن عدم حضور یا عدم توانایی بر مقابله. همه این‌ها داخل در امنیت انتظامی و قضایی‌ست؛ مشتمل بر پلیس و دادگاه.

تأمین اجتماعی

سلامت در سطح دوم به بیمه و تأمین اجتماعی تبدیل می‌گردد؛ انتظار کسب سلامت در آینده!

برای انسان عاقبت‌اندیش معمولاً قضیه متفاوت می‌گردد. وی علاوه بر این که مطالبات سطح اول را دارد، مطالبات سطح دوم را هم دارد، ولی آن را «ذخیره» آخرت می‌نماید. وی نیاز دارد مطمئن شود آن چه می‌خواهد کسب نماید و به دارایی‌های خود بیافزاید، در آخرت فراهم شود. لذا او به دنبال «ذخیره» است. زیرا ذخیره تنها راه کسب در آینده درازمدت است.

بی‌تردید تمام پیش‌گفته‌ها معنای جدید به خود می‌گیرند:

توکل

انسانی که تا به حال به دنبال استغنا و بی‌نیازی بود، یا حداقل احساس بی‌نیازی نسبی در یک مدت زمان معین، اکنون که آخرت را فهمیده و خدا را شناخته، می‌داند «فقط» خدا بی‌نیاز است. پس به او توکل می‌کند و امور خود را به او وامی‌گذارد.

چه می‌شود؟! به سادگی از تمام مخلوقات بی‌نیاز می‌گردد. حس لذت استغنا تمام وجود وی را فرا می‌گیرد. زیرا می‌داند خداوند او را تأمین می‌کند.

سرپرستی

اگر تا به حال دنبال این بود تا اشیاء و افراد را استخدام کند، تا بر گستره متعلقات خود بیافزاید و لذت ببرد، اکنون به دنبال هدایت و سرپرستی‌ست. هر موجودی را که زیر پر و بال خود گرفته و هدایت نماید، احساس لذت روحی می‌نماید.

یقین

تمامی اضطراب‌های روحی به جهت ایمان به خدای متعال و وجود آخرت و جزای اعمال در عالمی فراتر از دنیا، حالت یقین به قلب او می‌دهد و کمال آرامش و اطمینان را حس می‌کند و با تمام وجود لذت می‌برد. در سخت‌ترین شداید دنیا هم اگر گرفتار شود، دچار اضطراب نمی‌گردد زیرا می‌داند: الشاهد هو الحاکم. پس حقی ضایع نخواهد شد و هر چه باید می‌داشته و نداشته (دارایی) و هر چه کسب باید می‌کرده و واگذاشته، ذخیره برای آخرت وی است.

ایجاد هماهنگی

تنها به دنبال حل مسئله نیست. حل مسئله یک مسئله وهمی در دنیای دنی‌ست. زیرا مسائل متعدد هستند و هر کدام اگر به روش خود حل شوند، در نهایت یک مسئله بزرگ حل نشده باقی می‌ماند؛ ناهماهنگی حل مسئله‌ها!

کسی که به آخرت امید دارد، حل مسئله را فدای هماهنگی می‌نماید. او می‌خواهد تمامی مشکلات و مسائل در تناسب با آخرت و مسئله بزرگ حیات بشری حل شود. لذا حتی اگر کشته شدن او بتواند هماهنگی بیشتر دنیا را با آخرت تأمین نماید، برای او به عنوان یک حل مسئله و لذت‌آور می‌شود.

پذیرش هدایت

انسان از یادگرفتن لذت می‌برد. زیرا با یادگرفتن می‌تواند ارتباط اجتماعی برقرار نماید. برای او که انتظار آخرت را می‌کشد و برنامه‌های بلندمدت دارد، پذیرش هدایت کامل‌ترین لذت را فراهم می‌آورد. زیرا یادگرفتن طریق سعادت و روش ذخیره نمودن است. یاد گرفتن چگونگی ارتباط با عالم حقیقی‌ست، عالم جاویدان، نه دنیایی که فانی‌ست و از بین رفتنی.

خلق جدید

آن‌که به دنبال کسب اخروی‌ست، نوآوری را در خلق جدید می‌بیند. او می‌داند که خداوند همواره قدرت خلق دارد و پیوسته در حال خلق است. او می‌داند اگر ذخایر نفت و گاز تمام شود، بدون سوخت فسیلی هیچ نگرانی برای بشر نیست، زیرا خداوند می‌تواند سوخت جدید خلق نماید. انسانی که بلندمدت می‌اندیشد، نگران حتی نابودی خورشید یا برخورد سیارات با هم نیست، نگران ناکافی بودن فضای کره زمین برای زیستن. می‌داند اگر نیاز شود، خداوند یک کره دیگر برای انسان خلق خواهد کرد و این برای خداوند سهل است.

آینده‌نگر بلندمدت از خلق جدید خداوند لذت می‌برد. حتی وقتی یک روبات می‌سازد، در بطن آن قدرت خلاقه الهی را می‌بیند و از این‌که خداوند این تصرف را برای او فراهم نموده لذت می‌برد.

زهد

هر چه انسان بدوی از خوراک لذت می‌برد و انسان کسب‌محور از امنیت غذایی، یعنی از احساس این‌که می‌تواند همیشه بخورد، انسان معنوی از نخوردن لذت می‌برد. از گرسنگی احساس شغف می‌کند. زیرا با این گرسنگی می‌تواند غذایی را برای دیگری فراهم نماید. جسم او از خالی بودن شکم لذت می‌برد و نه آلم. زیرا می‌داند این اکرام و انفاقی که نموده، یا این صبر بر مصیبت و مصائب، آخرت را برایش پر از خوراک‌های لذیذ خواهد نمود. او از انتظار اخروی خوراک لذت می‌برد که قطعاً جاوید و همیشگی و پایدار است و با نفخ شکم همراه نیست!

بیداری

آخرت‌اندیش از بیدار ماندن لذت می‌برد به جای خواب. استراحت او در انتظار استراحت بی‌پایان اخروی خلاصه می‌شود. لذا از بیدار بودن لذت می‌برد.

کار

هر فردی که نصیبی از آینده‌نگری بلندمدت داشته باشد، سلامتی را در «کار» می‌جوید و از آن لذت می‌برد. انسان‌های کوتاه‌نگر در تلاشند که جسم خود سالم نگهدارند، با استعمال دارو، مراجعه به پزشک و بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و بیمه، ولی انسان بلنداندیش می‌داند هر چه بیشتر کار نماید و خدمت نماید، جسم سالم‌تری خداوند به او خواهد داد. زیرا سلامتی را نعمتی از جانب خدای متعال می‌داند.

نتیجه‌گیری

خلاصه مطلب این‌که هر انسانی تمامی ۲۷ نیاز یادشده را دارد. اما پاره‌ای فقط متوجه ۹ تای اول هستند. معمولاً کودکان و نوجوانان از این دسته‌اند.

انسان‌های بالغ معمولاً سطح دوم نیازها را درک می‌کنند. آنان خود را محتاج ۱۸ خواسته یاد شده می‌دانند و چون ۹ تای دوم بسیار مهم‌ترند، گاهی حاضر می‌شوند ۹ تای اول را فدای ۹ تای دوم کنند. مثلاً حاضر است امروز چیزی نخورد و گرسنه بماند، ولی غذای خود را برای فردا نگهدارد، تا از احساس امنیت غذایی لذت ببرد. لذتی که همین الان که گرسنه است برای وی حاصل می‌شود.

انسان دوراندیش اما متوجه می‌شود که ۹ نیاز سوّم را هم دارد. این انسان اگر خدا را نپذیرد و ایمان نیاورد، چون نیازهای سطح دوم وی را قانع نمی‌سازد دست به خودکشی می‌زند. امثال نیچه و صادق هدایت و سایر روشنفکر مآبانی که خودکشی کردند از این قسمند.